

المقصد الرابع : في الأحكام المتعلقة بهذا الباب

چهارم: احكام كفارهها

وهي مسائل:

که شامل چند مسأله است:

الأولى: من وجب عليه شهران متتابعان، فإن صام هلالين فقد أجزأ وإن كانا ناقصين، وإن صام بعض الشهر وأكمل الثاني اجتزأ به وإن كان ناقصاً، وأكمل الأول ثلاثين.

اول: کسی که بر او روزه دو ماه پشت سر هم واجب است، اگر دو هلال ماه را روزه بگیرد، کفایت می‌کند، حتی اگر ماه ناقص (29 روزه) باشد، و اگر بخشی از ماه را روزه بگیرد و در ماه دوم آن را کامل کند صحیح است، حتی اگر ماه ناقص باشد، و ماه اول را سی روز کامل حساب می‌کند.⁽¹⁾

الثانية: العبرة في المرتبة بحال الأداء لا بحال الوجوب، فلو كان قادراً على العتق فعجز، صام ولا يستقر العتق في ذمته.

دوم: ترتیب در كفارهها براساس زمان به جا آوردن آن است نه هنگام واجب شدن؛ پس اگر هنگام واجب شدن آن توانایی آزاد کردن بنده را داشته ولی موقع پرداخت آن ناتوان شده است، باید روزه بگیرد و آزاد کردن بنده بر عهده‌اش نخواهد بود.

الثالثة: إذا كان له مال يصل إليه بعد مدة غالباً لم ينتقل فرضه، بل يجب الصبر. ولو كان مما يتضمن المشقة بالتأخير كالظهار ينتقل فرضه.

سوم: اگر دارای مالی باشد که به احتمال زیاد تا مدتی بعد به او می‌رسد، كفارة واجب تغییر نمی‌کند⁽²⁾ بلکه واجب است صبر کند، و اگر از اموری باشد که صبر کردن باعث مشقت می‌شود (مانند ظهار) وجوب آن برداشته و به مورد بعدی منتقل می‌شود.

1- مثلاً اگر پنج روز مانده به آخر ماه روزه بگیرد (حتی اگر ماه ۲۹ روزه باشد)، ۲۵ روز از ماه بعد را روزه می‌گیرد تا سی روزش کامل شود. (مترجم)

2- مثلاً در كفارة ترتیبی با نبود بنده به اطعام و با ناتوانی از اطعام كفارة واجب، به روزه تغییر می‌کند اما در این مورد چون قرار است به زودی مالی به او برسد باید صبر کند. (مترجم)

الرابعة: إذا عجز عن العتق فدخل في الصيام، ثم وجد ما يعتق لم يلزمه العود وإن كان أفضل. وكذا لو عجز عن الصيام فدخل في الإطعام، ثم زال العجز.

چهارم: اگر از آزاد کردن بنده ناتوان باشد و شروع به روزه گرفتن کند، سپس دارای بنده‌ای بشود که بتواند آن را آزاد کند، لازم نیست روزه را ترک و بنده را آزاد کند. اگر چه بهتر است چنین کند و به همین ترتیب اگر از روزه گرفتن ناتوان شود و شروع به اطعام کند، سپس عذرش برطرف شود، حکم به همین صورت است.

الخامسة: لو ظاهر ولم ينو العود فأعتق عن الظهار لا يجزيه؛ لأنه كفر قبل الوجوب.

پنجم: اگر ظهار کند و بدون اینکه قصد بازگشت داشته باشد بنده را آزاد کند، کفایت نمی‌کند، چون کفاره را قبل از واجب شدن آن پرداخته است.

السادسة: لا تدفع الكفارة إلى الطفل؛ لأنه لا أهلية له، وتدفع إلى وليه.

ششم: کفاره به بچه داده نمی‌شود چون او شایستگی دریافت آن را ندارد، بلکه به ولی او داده می‌شود.

السابعة: لا تصرف الكفارة إلى من يجب نفقته على الدافع، كالأب والأم والأولاد والزوجة والمملوك؛ لأنهم أغنياء بالدافع، وتدفع إلى من سواهم وإن كانوا أقارب.

هفتم: نمی‌تواند کفاره را به کسی که پرداخت نفقه‌اش بر او واجب است بپردازد. مانند پدر و مادر و فرزند و همسر و بنده. چون آنها با وجود او بی‌نیاز محسوب می‌شوند و فقیر نیستند، و می‌تواند به غیر آنها بپردازد، حتی اگر نزدیکانش باشند.

الثامنة: إذا وجبت الكفارة في الظهار وجب تقديمها على المسيس، سواء كفر بالإعتاق أو بالصيام أو بالإطعام.

هشتم: هنگامی که در ظهار کفاره واجب می‌شود باید آن را قبل از نزدیکی بپردازد؛ چه کفاره آزاد کردن بنده باشد یا روزه و یا اطعام.

التاسعة: إذا وجب عليه كفارة مخيرة كفر بجنس واحد، ولا يجوز أن يكفر بنصفين من جنسين.

نهم: هنگامی که کفاره انتخابی بر او واجب شود، باید یکی از آنها را انتخاب کند و نمی‌تواند قسمتی را از یک نوع و قسمتی را از نوع دیگر بپردازد.⁽³⁾

العاشرة: لا يجزي دفع القيمة في الكفارة إلا مع العجز عن إيجاد الرقبة في كفارة الجمع، فإن قيمتها تدفع للإمام، أو من نصبه الإمام.

دهم: نمی‌تواند به جای پرداخت کفاره، قیمت آن را بپردازد، مگر در ناتوانی از آزاد کردن بنده در کفاره جمع، که قیمت آن را به امام یا کسی که امام منصوبش کرده است می‌پردازد.

الحادية عشرة: من قتل في الأشهر الحرم وجب عليه صيام شهرين متتابعين من الأشهر الحرم، وإن دخل فيهما العيد وأيام التشريق.

یازدهم: بر کسی که در ماه‌های حرام مؤمنی را به قتل برساند واجب است دو ماه پیاپی در ماه‌های حرام روزه بگیرد، گرچه در آن عید یا ایام تشریق باشد.

الثانية عشرة: كل من وجب عليه صيام شهرين متتابعين فعجز صام ثمانية عشر يوماً، فإن لم يقدر تصدق عن كل يوم بمد طعام صدقه می‌دهد، و اگر نتوانست از خداوند طلب استغفار شئی علیه.

دوازدهم: هر کس که بر او واجب است دو ماه پیاپی روزه بگیرد و نتواند، هجده روز روزه می‌گیرد، و اگر نتوانست برای هر روز یک مد طعام صدقه می‌دهد، و اگر نتوانست از خداوند طلب استغفار (درخواست بخشایش) می‌کند و دیگر چیزی بر عهده‌اش نیست.⁽⁴⁾

3- مثلاً نمی‌تواند سی فقیر را اطعام کند و سی روز روزه بگیرد. (مترجم)

4- حتی اگر بعداً توانا شود. (مترجم)

